



## دکتر حسابی دانشنامه‌ی ناخوانده

جعفر وفا

کارشناس ارشد معارف اسلامی

دریا از دیدگاه‌های مختلف شایسته تحقیق است و هر کس به ضرورت نیاز، استعداد، تخصص و توان خود، در آن مطالعه می‌کند؛ به طور مثال هنرمند از منظر زیباشناسی به آن می‌نگرد و دیگر ابعاد آن از نظرش پنهان می‌ماند.

یا یک دانشنامه جامع که موضوعات گوناگون فقهی و فلسفی، ریاضی، تاریخی، سیاسی و... در آن مورد بررسی قرار گرفته است، برحسب نیاز و در قلمرو علم و دانش محققان هر رشته‌ای، مورد مراجعه قرار می‌گیرد و هر مراجعه کننده‌ای تنها در پی اطلاعات خاصی است. شخصیت‌های علمی، فنی و معنوی نیز این گونه‌اند، یعنی هر کس با ذهنیت و آگاهی‌های خود، طرفی از آنان برمی‌بندد و از دیگر ابعاد آنان بی‌خبر می‌ماند.

از جمله آنهاست پروفیسور دکتر «محمود حسابی» که به حق یک «دائرةالمعارف» وزین و فراگیر است و از منظرهای گوناگون قابل پژوهش و الگو، یک فیزیکدان ماهر، او را از این منظر می‌بیند و نوآوری‌هایش را تحسین می‌کند؛ یک زبان‌شناس او را عالم به چهار زبان و آشنای به یازده زبان زنده جهان می‌بیند و از این بُعد زندگی او را مطالعه می‌کند؛ یک حافظ قرآن هنگامی که می‌شنود که او به رغم سفرهای متعدد و مشاغل

زیاد، حافظ کُلّ قرآن بوده در برابرش خضوع می‌کند و همچنین یک ادیب او را از بُعد ادبی مطالعه می‌کند در برابر هوش و حافظه سرشار او شگفت زده می‌شود که چگونه در دوران نوجوانی حافظ آثار سعدی و حافظ شیرازی شده است!

ما با حرمت و تحسین همه ابعاد وجودی این استاد گرانقدر در این مثال با توجه به مخاطبان نشریه، تنها به نحوه تعلیم و تربیت او می‌نگریم.

## تولد و تحصیل

دکتر حسابی در سال ۱۲۸۱ شمسی از پدر و مادری تفرشی، در تهران متولد و از چهار سالگی در بغداد و سپس در دمشق و بیروت مشغول به تحصیل شد. همزمان، قرآن کریم، گلستان و بوستان، غزلیات حافظ و منشآت قائم مقام را از مادر خود، خانم گوهر شاد، آموخت. او از ابتدا تا پایان تحصیلات، در میان همدوره‌ای‌های خود که از کشورهای مختلف بودند همواره رتبه نخست را داشت.

این چهره برجسته علم، پس از کسب موفقیت و اخذ مدارک لیسانس ادبیات و علوم، مهندسی راه و ساختمان، مهندسی برق، مدرک زیست‌شناسی، ستاره‌شناسی و سپس اخذ دکترای فیزیک در سال ۱۳۰۶ به ایران بازگشت و تا آخرین لحظه‌های حیات خود، در کرسی تدریس، چند هزار شاگرد متخصص تربیت نمود که اکثر آنها از اساتید و مدیران بلند پایه کشور هستند او در فیزیک نوین نظریات تازه‌ای داده و نشان «کومان دولوژین دونور» - بزرگ‌ترین نشان علمی فرانسه - را به دلیل ارائه و اثبات تئوری «بی نهایت بودن ذرات» دریافت نمود. این اندیشمند مبتکر، افزون بر خدمات علمی و ارائه نظریه‌های جدید، در ایجاد تحولات بنیادین علمی و تکنولوژی و تحقیقاتی ایران گام‌های مهمی برداشت و آثار سبزی به جای گذاشت از جمله: تأسیس دانشگاه تهران، تأسیس نخستین دانشسرای عالی، اولین ایستگاه هواشناسی و اولین رصدخانه تعقیب ماهواره‌ها، راه اندازی دستگاه رادیولوژی و پایه‌گذاری مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران، و تأسیس مرکز اتمی ایران. او تنها شاگرد ایرانی پروفیسور آلبرت انشتین بود. در سال ۱۳۶۶ شمسی یادواره نکوداشتی برایشان تشکیل شد و از او تقدیر به عمل آمد و سرانجام در دوازدهم شهریور ماه سال ۱۳۷۱ وفات یافت و خانه وی به موزه تبدیل شد. (۱)

## جلوه‌هایی از زندگی

دکتر حسابی حکیمی بود از شجرهٔ حکمت آموختگان، با شاخ و برگ تازه و ماندگار. او همهٔ دوران تحصیلی و جوانی خود را در کشورهای اروپایی سپری کرد، ولی در پرتو معنویت و تربیت دینی، هرگز از فرهنگ منحنی بیگانه متأثر نشد و رنگ نباخت و فطرت سلیم و اصالت خود را از دست نداد و شخصیت خود را آلودهٔ ناپاکی‌های مراکز علمی و آموزشی اروپا و آمریکا نساخت. این مرد بزرگ صفات نیکو داشت و ویژگی‌هایش زبان زد عام و خاص بود و اینک دفتر فضیلت او را ورق می‌زنیم و به تماشای چند برگ از زندگی‌اش می‌نشینیم:

### ۱- عزت نفس

پروفسور حسابی بسیار کریم النفس بود و در تمام مراحل حیات علمی، اجتماعی، تحقیقاتی خود، این حالت را حفظ می‌کرد در حدی که شاگردان و دوستانش این ویژگی او را می‌ستودند یکی از شاگردانش، دکتر محمد تقی توسلی است ایشان در این زمینه می‌گوید:

«بسیاری از حالات و خصوصیات استاد بی‌نظیر بود. ایشان از معدود استادان و محققان بسیار صمیمی بودند هرگز برایشان مهم نبود که همکاری‌شان کیست، هر که بود مثل یک دوست با او کار می‌کردند. از دیگر صفات پسندیدهٔ ایشان این بود که عادت به دستور دادن نداشتند و با توجه به اختلاف سنی و اختلاف فراوان معلوماتی که با ما داشتند، امکان نداشت که بگویند فلان چیز را به من بدهید. خودشان می‌رفتند و می‌آوردند. کم دیده‌ام که استادی این همه با دانشجویانش رفیق باشد و محیط را پر از تفاهم و صمیمیت کند» (۲)

### ۲- نظم و انضباط

برنامه ریزی و رعایت نظم به زندگی نظام می‌بخشد، هدف را روشن و مسیر حرکت را هموار می‌سازد. از هدر رفتن وقت جلوگیری می‌کند، بر روند کمی و کیفی کار می‌افزاید. نظم ثابت حاکی از روحیهٔ سالم و پرنشاط است.

افراد منضبط و منظم، مطلوب فرهنگ اسلامی هستند. حضرت علی علیه‌السلام به پیروان خود، در هر عصر و نسل وصیّت می‌کند که منظم باشند:

«أَوْصِيكُمْ وَ جَمِيعَ وُلْدِي وَ أَهْلِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَ نَظْمِ  
أَمْرِكُمْ» (۳)

من شما (حسن و حسین (ع)) و همه فرزندانم و کسانم و آن را که نامه  
من بدورسد به ترس از خدا و نظم در کارها سفارش می‌کنم.

این دانشمند فرزانه، از کسانی است که به این وصیت امام خود، عمل نمود و نظام  
علمی، تحقیقاتی و اخلاقی خود را بر پایه نظم استوار بنیان نهاد. فرزندش در این باره  
می‌گوید: نظم و تربیت خاصی بر کارهای ایشان حاکم بود در طی ۳۷-۳۸ سالی که در زیر  
یک سقف بودیم، کمترین خللی در این برنامه‌های منظم ندیدم.

ایشان سر ساعت ۷/۳۰ صبحانه صرف می‌کرد که در ظرف این ۴۰ سال، این ساعت  
کمترین تغییری نکرده است. حدود ساعت ۹ در اتاقشان روی لغات فارسی کار  
می‌کردند و ساعت ۱۱ صبح روی نظریه علمی خودشان که مورد تصویب انیشتین هم  
بوده است، کار می‌کردند، بعد از صرف ناهار یکی دو ساعت استراحت می‌کردند. ساعت  
۴ به مطالعه کتاب‌های فیزیک می‌پرداختند و بعد به اخبار گوشه و کنار جهان گوش  
می‌دادند ۸/۳۰ موقع شامشان بود و ۹/۳۰ مجلات خارجی را می‌دیدند. و ساعت  
۱۲/۳۰ روی زبان آلمانی کار می‌کردند. (۴)

### ۳- غیرت مذهبی

غیرت و حمیت، جمال جوانمردان و نشانی از کمال آنان است. غیرت از ایمان و بی‌غیرتی  
از نفاق سرچشمه می‌گیرد پیامبر اسلام (ص) فرمود:

«پدرم حضرت ابراهیم (ص) غیور بود و من غیورتر از او هستم.» (۵)

خداوند مردان غیرتمند را دوست می‌دارد. (۶) چرا که خود غیور است و غیرت از  
صفات او. به همین جهت مفسد ظاهری و باطنی را به بندگان خود ممنوع کرده است. (۷)  
غیرت مردان مؤمن با ایمانشان سرشته و با علم و آگاهی، در مسیر صحیح از آن سود  
می‌جویند.

دکتر حسابی در پرتو تربیت صحیح، غیرت دینی داشت و آن را در مسیر صحیح به  
کار می‌گرفت در زمان اداره اولین بیمارستان خصوصی در ایران (بیمارستان گوه‌رشداد  
سال ۱۳۱۲ شمسی) با وجود جو فاسد حاکم آن روز، کارکنان خانم، ملزم به رعایت  
کامل حجاب بودند و این نشانی از غیرت دینی و پای‌بندی استاد به مبانی و اصول

اعتقادی بود. (۸)

هنگام انتخاب همسر (با وجود پیشنهادهای بسیار از سوی خانواده‌های سرشناس و به اصطلاح متجدّد آن روز) دختری از خانواده روحانی حائری برگزیدند و حاضر نشد با خانواده رنگ گرفته غربی ازدواج کند. او فرزندان خود را از کودکی ملزم به فراگیری و انجام فرائض دینی می‌نمود و نیز آنان را به تلاوت آیات باهجه صحیح عربی و درک کامل معانی تشویق می‌کرد. (۹)

#### ۴- برخورد های تربیتی

استاد در مورد تربیت بر این عقیده بود که ارتباط والدین با فرزند باید بر پایه محبت و صداقت باشد. او پیوسته می‌گفت:

«بچه بر اساس سه اصل محبت، احترام و راستگویی پدر و مادر بزرگ می‌شود و بچه می‌خواهد که حرف پدر و مادرش را قبول کند نه این که تردید کند. باید به بچه راست بگویید. نباید دروغ بگویید کاری که می‌خواهید بکنید بگویید و لواینکه به نارضایتی بچه بینجامد. اگر احترام بچه را نگه دارید او هم احترام پدر و مادر را نگه می‌دارد نه این که چون کوچک است با بی احترامی با او رفتار کنید. باید همان احترامی را که برای یک شخص بالغ قائل هستید برای بچه هم قائل باشید. (۱۰)

او عقیده بر آن داشت که باید فرزندان را از بچگی به امور فنی آشنا کرد، چه پسر و چه دختر؛ آقای ایرج حسابی، فرزند استاد می‌گوید:

«تا جایی که دکتر برایم تعریف کرده‌اند اولین اسباب بازی ام آچار و چکش بوده است و تا جایی که یادم می‌آید حدود شش سالم بود که آقای دکتر وادارم کردند که یک پلکان بسازم که از چهار پله تشکیل می‌شد.» (۱۱)



دکتر حسابی انسان وارسته‌ای بود که به سبب معنویات والا و مسؤولیت انسانیش، تنها در فکر آموزش و دانش اندوزی شاگردانش نبود و تنها فیزیک برایشان نمی‌آموخت بلکه به تربیت آنها نیز نظر داشت. و هرگز تربیت را فدای آموزش نمی‌کرد. دکتر عسکری، یکی از اساتید بزرگ، روزی به استاد حسابی گفت: بچه‌ها را بفروستید خارج درس بخوانند استاد پاسخ داد: بعد از لیسانس و فوق لیسانس. قبل از لیسانس اگر بروند هویت ملی شان را از دست می‌دهند. (۱۲)

## ۵- ساده زیستی

دانش آموزی که بیشتر به بازی بپردازد، بیشتر می‌بازد، برخلاف آن که هر چه از بازی بکاهد به حجم درس و دانش می‌افزاید. دنیا میدان بازی و مسابقه و تفاخر است:

﴿اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ وَزِينَتُهُمْ وَتَفَاخُرُ بَيْنَكُمْ﴾ (حدید: ۲۰)

بدانید زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی و تجمل پرستی و تفاخر در میان شماست.

آنان که به درون این میدان درآیند در گرداب آن می‌مانند و تباہ می‌شوند ولی انسان‌های وارسته و آرمان خواه، از آن شتابان می‌گذرند و زهد و ساده زیستی را سیره خود می‌سازند این چنین بود مؤسس و استاد جامعه فیزیک ایران پروفیسور حسابی. او با جایگاه علمی و موقعیت جهانی که داشت می‌توانست در جهانی از تجمل قرار گیرد و به یک قطب سرمایه داری تبدیل شود ولی از مدار تربیتی و مکتبی خود، خارج نشد و رغبتی به مظاهر دنیا نشان نداد و لذات ماندگار معرفت و معنویت را با لذات زود گذر مادی عوض نکرد. تا پایان عمر، در خانه قدیمی و ساده‌اش زیست، خبرنگار می‌گوید:

برای انجام مصاحبه‌ای راهی خانه استاد شدم در کوچه پس کوچه‌های تخریش، از میان کوچه باغ‌های ساکت راهی خانه استاد بودم. در طول راه خبرهایی را که پیرامون این دانشمند بزرگ شنیده بودم مرور می‌کردم. بالاخره خانه را پیدا کردم اما تردید داشتم که آیا این خانه استاد است؟! با قدمت طولانی و درهای چوبی و کهنه!!

دقیق شدم و این شعر سعدی را سر در آن دیدم:

به جان زنده دلان، سعدیا که ملک وجود

نیارزد آن که دلی را زخود بیازاری (۱۳)

آری چنین خانه‌ای را سزااست که به موزه علمی تبدیل شود و آثار ارزشمند او را ثبت کند

و به عنوان مرکز آموزشی مورد بازدید دانش پژوهان قرار گیرد و از خاستگاه استاد  
خاطره بیافریند.

آری چنان که خود استاد می‌گفت:

«علم و بزرگی واقعی، با فروتنی و سادگی همراه است.» (۱۴)

و این عبد خاکی به راستی چنین بود. بزرگی و فروتنی را به هم آمیخت و افزون  
بر نشان‌های علمی، نشان صادقی از ساده زیستی را با خود همراه ساخت و طبق وصیتش  
در کتابخانه زادگاهش که از ثمرات عمرش بود، به خاک سپرده شد و سرانجام این دو  
کتابخانه، به هم پیوست.



پی‌نوشت‌ها:

- ۱ - کیهان فرهنگی، ش ۷، مهر ۱۳۶۶، ص ۱۲، مجله سروش، ش ۷۰۷، ص ۲۲-۲۳.
- ۲ - همان، ص ۱۲.
- ۳ - نهج البلاغه، نامه ۴۷.
- ۴ - کیهان فرهنگی، ش ۷، ص ۱۳.
- ۵ - میزان الحکمة، ج ۳، ص ۲۳۴۲، چاپ جدید دارالحدیث.
- ۶ - بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۲۲۸.
- ۷ - همان.
- ۸ - راه ما، محمود حسایی، ص ۱۹۹.
- ۹ - راه ما، محمود حسایی، ص ۱۹۹.
- ۱۰ - روزنامه اطلاعات، ۹ شهریور ۱۳۷۲.
- ۱۱ - همان.
- ۱۲ - همان.
- ۱۳ - سروش، شماره ۵۵۱، سال دوازدهم، شماره ۷۰، ص ۱۹.
- ۱۴ - همان، ش ۷۰۷، ص ۲۳.